

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250

ایسکرا

۶۳۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ مرداد ۱۳۹۱، ۱ اوت ۲۰۱۲

سرمد عبدال گلپریان

در مرداد ماه سال ۱۳۵۸ چه گذشت؟ فرمان حمله خمینی به کردستان (بخش دوم)

تحولات سوریه و تأثیر آن بر مناطق کرد نشین متن پیاده شده مصاحبه تلویزیونی ایسکرا با محمد آسنگران



آوات فرخی: اتفاقاتی که در حال حاضر در سوریه، به خصوص در کردستان سوریه مشاهده می کنیم، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است و تعداد زیادی پیگیر قضایا هستند که بالاخره سرنوشت اسد و آنچه که با کردستان ارتباط پیدا میکند چه خواهد شد. در وهله اول اتفاقاتی که اکنون در حال رخ دادن است از نظر شما چه تأثیراتی در منطقه خواهد داشت؟

اول وقتی انقلاب در سوریه آغاز شد هدف مردم این بود که از دست این حکومت دیکتاتوری نجات یابند. اما متأسفانه در پروسه این انقلاب نزدیک به یک سال است که جریانات ناسیونالیستی، اسلامی و پرو غرب متحد ترکیه و عربستان با دخالت صفحه ۲

محمد آسنگران: واقعیت این است که مدت زمان زیادی است که در سوریه چنین اتفاقاتی در حال جریان است. به این صورت در وهله

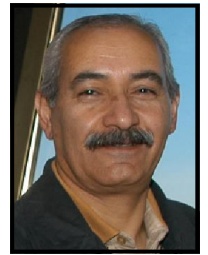
مستقیماً بعنوان فرمانده قوا، به تمام نیروهای مسلح ارتش و سپاه و همیاری دولت موقت فراخوان دهد و فرمان حمله به پاوه را صادر کند.

فرمان خمینی برای حمله به پاوه مقدمه ای برای حمله ای سراسری تر به تمام شهرهای کردستان بود.

خمینی در پیامی که برای آن مهلتی ۲۴ ساعته تعیین کرده بود از تمامی نیروهای مسلح می خواهد که در این مدت زمان وارد عمل شده و پاوه را از دست به گفته او "اشرار" آزاد کنند.

صفحه ۳

می گیرد. رژیم اسلامی به چمران ماموریت می دهد که "غانله" پاوه را تمام کند. شهر پاوه همچنان در دست مردم و نیروهای سیاسی مسلح است. نیروهای حکومت برای تصرف شهر از راه زمین قادر به این کار نمی شوند. نیروهایشان در داخل شهر پاوه از سوی مردم و نیروهای مسلح متحمل تلفات زیادی می شود. از راه هوایی هم هیلی کوپترها در تیررس نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی و مردم قرار می گیرد. این شکستی برای نیروهای رژیم محسوب می شود. شکست ارتش و سپاه رژیم در پاوه سبب شد که خمینی خود



عبدال گلپریان

بعد از پایان یافتن کوچ تاریخی مردم مریوان، رژیم اسلامی جنگ و درگیری تازه ای را در پاوه به مردم تحمیل کرد. ۲۶ مرداد ۵۸ جنگ سختی مابین طرفهای درگیر در پاوه در

در آستانه فاز جدید سیاوش شهابی

صبح روز (یکشنبه) مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. سایت مردمک نیز در این مورد می نویسد اجرایی شدن نظام ۳-۳-۶ و اضافه شدن پایه ششم ابتدایی و حذف مقطع اول راهنمایی وزارت آموزش و پرورش همزمان پیش دبستانی را

صفحه ۸



آنان به همراه سیلوداران بخش خصوصی و کارگزاران مراکز مخابرات روستایی آذربایجان غربی

ممنوعیت سنگسار در دنیا یک موضوع نشست شصت و هفتم سازمان ملل

هلند برای ما بسیار حائز اهمیت است. سپس مینا احدی ضمن تشکر از این اقدام و از اینکه نمایندگان پارلمان هلند، کمیته بین المللی علیه سنگسار را در جریان این موضوع مهم قرار داده اند، گفت: این یکی از مهمترین اخبار در زندگی سیاسی من بود. ممنوعیت سنگسار در دنیا در حقیقت پاسخی به سه دهه فعالیت ما علیه سنگسار و پاسخی به چکیده و مضمون یکی از مهمترین اهداف در زندگی من است. صفحه ۸

روز دوشنبه سی ماه جولای مینا احدی و فرشته مرادی از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار در پارلمان هلند حضور یافته و در یک نشست با هاری وان بومل نماینده پارلمان و مسئول روابط بین المللی از حزب سوسیالیست هلند در مورد جزئیات این مسئله به گفتگو پرداختند. در ابتدا فرشته مرادی با تشکر از دعوت هیئتی از سوی کمیته بین المللی علیه سنگسار، به معرفی مختصر فعالیتهای کمیته بین المللی علیه سنگسار پرداخت و اعلام کرد که این تصمیم پارلمان

صفحه ۶

پیش بسوی ممنوعیت سنگسار در همه جا! / مینا احدی

صفحه ۷

زندگی نامه من (بخش بیست و پنجم) / سهیلا شریفی

صفحه ۸

پیام تسلیت به رفیق شبیو مرادی و خانواده اش

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ تحولات سوریه و تأثیر آن ...

خود عملاً انقلاب مردم سوریه را تبدیل به جنگ دو گروه مسلح کردند و مردم و اهداف و روش انقلابی مردم در خیابان را حاشیه‌ای کردند. از يك طرف ارتش سوریه و از طرف دیگر گروهی به اسم ارتش آزاد سوریه که بیشتر فرماندهان و فعالین برجسته اشان وابستگان سابق به ارتش سوریه هستند که حال از آن جدا شده‌اند، یا جریانات اسلامی و جریانات متحد عربستان و ترکیه میباشند که تا حال نیز تأثیرات مخربی بر انقلاب واقعی مردم سوریه داشته است. از يك سو پروسه انقلاب سوریه به پروسه ای زجرآور همراه با کشتار وسیع مردم از سوی دیکتاتور سوریه بوده است، از سوی دیگر این جریانات ارتجاعی برای اینکه انقلاب مردم را به انحراف بکشاند، انقلاب اجتماعی توده ای و وسیع خیابانی را تبدیل به جنگ داخلی بین ۲ نیروی مسلح کردند.

اما در کردستان سوریه مردم کرد زبان از سوی دیکتاتوری خانواده اسد از هر گونه حقوقی محروم بودند. به نوعی که از آنها حتی به عنوان شهروند درجه ۲ نیز یاد نمیشد. مردم کرد زبان در سوریه حتی از حق داشتن شناسنامه و رأی برخوردار نبودند و تنها در مناطقی خاص میتوانستند زندگی کنند و واقعیتی تلخ را بر این مردم تحمیل کرده بودند. اما بعداً که انقلاب شروع شد و قدرت اسد رو به تضعیف شدن رفت و تحولات در حال انجام گرفتن بود به ناچار قبول کردند که مردم کرد زبان سوریه نیز شناسنامه های خود را داشته باشند و درجه ای از فضای آزاد در آنجا برای آنها قابل تحمل گردید.

تاریخ سیاه و بی حقوقی مطلق که سال های سال بود از سوی حکومت به اصطلاح مدرن سوریه بر آنها تحمیل شده بود، اپوزیسیونی شکل گرفت و آنها نیز به دنبال متحد و حامی در منطقه بودند. بیشتر آنها خود را به خانواده بارزانی متصل کردند، به جریانی که امروز امکاناتی در اختیار دارند، اسلحه دارند و تجربه دارند. بخشی نیز خود را به پ.ک.ک نزدیک میدیدند. اما پ.ک.ک به دلیل مسألی که قبلاً از طریق همین کانال در مورد آن بحث کرده ایم، با جمهوری اسلامی و

سوریه سیاسی نزدیک و متحدانه داشت، به همین دلیل نمیتوانست دخالت آنچنانی داشته باشد. اما این بدان معنی نیست که چنین سیاستی را تا آخر دنبال کند. طبعاً پ.ک.ک، هر وقت احساس کند که شرایط در حال تغییر است و حکومت اسد حتماً سرنگون خواهد شد و جمهوری اسلامی توان حفظ اسد را ندارد و... در این زمان فرصت طلبی جریانات ناسیونالیستی خود را نشان خواهد داد و پ.ک.ک نیز خود را مدافع حقوق مردم سوریه معرفی خواهد کرد و وارد میدان خواهد شد.

در اینجا دو مسئله حائز اهمیت است، از يك طرف پ.ک.ک احساس می کند با سازش کردنش با جمهوری اسلامی ایران و سوریه از این اتفاقات منفعتی نبرده است و از طرف دیگر بارزانی با نیروی متحد خود که بیشتر آنها از مردم سوریه اما فرماندهان و افراد متخصص و با تجربه اشان در عراق همراه با نیروهای مسلح بارزانی توانسته اند چند شهر را آزاد کنند. با این اتفاقاتی که افتاده است پ.ک.ک نیز شروع به تحركات بیشتری خواهد کرد و دخالت میکند. طبعاً دخالت پ.ک.ک، باعث میشود که ترکیه و بارزانی هم اقدامات لازم به منظور محدود کردن نقش پ.ک.ک، را در پیش گیرند.

تا حال چهار شهردر کردستان سوریه از حضور نیروهای مسلح اسد پاک شده اند که به احتمال زیاد در آینده ای نزدیک شهرهای دیگر نیز چنین سرنوشتی خواهند داشت. اما اینکه سرنوشت مردم چه خواهد شد هنوز مورد بحث جریانات مختلف سیاسی است. بارزانی در حال حاضر با ترکیه متحد است و پ.ک.ک نیز اپوزیسیون ترکیه میباشد. این خود رقابتی را دامن میزند و به نظر من در نهایت پ.ک.ک کوتاه می آید و تسلیم سیاست های بارزانی میشود. در عین حال بارزانی هم در نقش مهار کنند پ.ک.ک، تلاش میکنند هم پیمانی خود با ترکیه و عربستان را بیش از پیش نشان بدهد.

بنابر این پ.ک.ک که به عنوان نیرویی که در تحولات منطقه تحت تاثیر قرار میگیرد ناچار میشود هر از چندگاهی جبهه دوستان و دشمنان خود را تغییر دهد. قبلاً با جمهوری

اسلامی در حال جنگ بود. اکنون غیرمستقیم متحد جمهوری اسلامی و بشار اسد است. فردا نباید شک داشت که با رفتن اسد ناچار میشود از جمهوری اسلامی فاصله بگیرد. این سنت همه جریانات ناسیونالیست منطقه بوده است که هر از چندگاهی در میان شکاف دولتهای منطقه جایی برای خود دست و پا کنند و در خدمت سیاست این یا آن دولت قرار گیرند.

آوات فرخی:

اپوزیسیون کرد در سوریه حمایت وهمچنین در تلاش فراهم کردن فرصت برای آنها است. اما از طرف دیگر طالبانی خود را به جمهوری اسلامی، مالکی و بشار اسد نزدیک تر میداند. نظر شما در این ارتباط چیست؟

محمد آسنگران:

به نظر من در این مدت هم اختلاف بارزانی با مالکی وهم سیاستی که نسبت به اسد داشته است باعث شده است که طالبانی و اتحادیه میهنی در عراق به حاشیه رانده شوند. یعنی این تحولات اگر در عراق بازنده ای داشته است، جلال طالبانی و اتحادیه میهنی است. در واقع اتحادیه میهنی به رهبری طالبانی هم نسبت به اختلاف احزاب عراق با مالکی و هم نسبت به تحولات سوریه درشک وتردید قرار دارد و عمدتاً خود را نزدیک به سیاستهای جمهوری اسلامی نشان داده است.

در هر دو مورد دلیل اصلی تردید طالبانی و حزبی از آنجا ناشی میشود که سیاستی را درپیش گرفته است که مطلوب جمهوری اسلامی باشد.

کسان یا جریاناتی همانند طالبانی هنوز متوجه نیستند که تحولات دنیا به شیوه ای دیگر رقم میخورد. قطبی قدرتمند در منطقه در مقابل جمهوری اسلامی شکل گرفته است. محور ترکیه، عربستان، قطر یا پشتیبانی غرب يك قطب میباشد و جمهوری اسلامی، روسیه و چین نیز قطب دیگر به شمار می آیند که عملاً جمهوری اسلامی بازنده این جدال میباشد. پ.ک.ک نیز که خود را به جمهوری اسلامی مرتبط کرده بود در نهایت به صورت اجبار از آنها فاصله میگیرد. در کردستان عراق نیز هرچند حزب

اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق هر دو جریاناتی ناسیونالیستی میباشند، اما بارزانی همانند "فردی قاطع که گویا در مقابل دشمنان مردم کرد ایستادگی میکند"، در صف ناسیونالیستهای کرد اعتباری برای خود کسب کرده است. بالاخره معنای سیاست چنین است که بتوانید در موقعیت های متفاوت، سیاست و موضع مناسبی به نفع جنبش خود اتخاذ کنید و به نظر میرسد بارزانی در این زمینه از رقیب خود در کردستان عراق (طالبانی) پیشی گرفته است.

اما به طور واضح در عراق کسی که سیاستش زیر سوال رفته و پرستیژ خود را در جنبش ناسیونالیستی کرد از دست داد جلال طالبانی و حزبی بود. کلاً همراهان و متحدین جمهوری اسلامی در منطقه حاشیه ای تر شده و میشوند و تا حال نیز جلال طالبانی سرنوشت خود را به شکست خوردگان این تحولات یعنی اسد، جمهوری اسلامی، حزب الله و حماس گره زده است. با رفتن بشار اسد شکست قطعی خواهد شد و با این تحولات جلال طالبانی بی اعتبارتر شده و اتحادیه میهنی نمیتواند جایگاه قبلی خود را در آینده کردستان داشته باشد.

آوات فرخی:

با توجه به توضیحات شما این تحولات به کجا می رسد و کردستان سوریه چه سرنوشتی خواهد داشت؟

محمد آسنگران:

اولین موضوعی که با همین تحولات تا کنونی رخ داده است طرح مسئله "کردستان مستقل" است که در میان جریانات اپوزیسیون سوریه، پ.ک.ک، احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق اینجا و آنجا مطرح شده است. بارزانی در چند مورد در مخالفت با سیاستهای مالکی گفته است که اگر بحران حکومتی در عراق حل نشود او در سپتامبر آینده رفراندوم خواهد کرد و موضوع کردستان "مستقل" را به رای مردم کرد زبان شمال عراق میگذارد. قرار است در این رفراندوم مناسبات کردستان با دولت مرکزی عراق تعیین و تنظیم شود.

آنچه که همانند استراتژی و دورنما مشاهده میشود موضوع

"کردستان مستقل" اگر چه داغ تر میشود اما از نظر من فعلاً زمینه ای برای شکل گرفتن ندارد. به دلیل اینکه اینها جریاناتی هستند که اساساً به دنبال قدرت و شریک بودن در قدرت هستند. واقعیت این است که اینها حتی به دنبال از بین رفتن ستم ملی و حل مسئله کرد نیستند. اینها بر پایه ستم ملی شکل گرفته اند و با ادامه مسئله کرد و ستم ملی میتوانند به حیات خود ادامه دهند و حل مسئله کرد برای آنها خوشایند نیست و بحث کردستان مستقل برای آنها بیشتر برای تهدید و معاملات منطقه ای و بین المللی است.

اما در سوریه به غیر از اینکه اسد می رود و این مناطق از ارتش سوریه پاک میشود، رقابت بین جریان بارزانی با پ.ک.ک داغتر میشود و از طرف دیگر جریانات اسلامی سعی میکنند متحدتر شده و در تعیین سیاست در این منطقه هم دخالت کنند. در واقع کردستان سوریه به میدان رقابت سه جریان بارزانی و ترکیه، پ.ک.ک و اسلامی ها مبدل میگردد. در سطح وسیع تر جریان پ.ک.ک، به ناچار از جمهوری اسلامی، فاصله میگیرد و قطب ترکیه، عربستان و متحدانشان در منطقه و با حمایت غرب دست بالا پیدا میکنند. جریانات ناسیونال- اسلامی متحد ترکیه و عربستان شانس بیشتری دارند که به جای بشار اسد بر سکوی قدرت بنشینند. همین فاکتور جهت سیاسی آینده کردستان سوریه را هم رقم میزند.

متأسفانه جریانات چپ رادیکال، انسان دوست و مترقی نتوانسته اند پایگاهی مردمی قابل توجهی برای خود بیابند و به نوعی خود را نشان دهند. این جای تأمل دارد که این جریانات رادیکال در این تحولات چه نقشی میخواهند داشته باشند و با توجه به پیچیدگی هایی که بر جامعه سوریه و به تبع کردستان سوریه تحمیل شده است چه نقشی میخواهند ایفا کنند.

آوات فرخی:

با توجه به اینکه مردم ایران و به ویژه کردستان که تحولات سوریه را دنبال میکنند، این شرایط چه تأثیراتی بر کردستان ایران میتواند

در مرداد ماه سال ۵۸ چه گذشت ...

از صفحه ۱



خمینی و دولت موقت او که ادعای مذاکره برای حل مسایل کردستان را داشت به یکباره طرفهای مذاکره کننده یعنی نمایندگان مردم کردستان، سازمانهای سیاسی و کلا مردم قیام کننده علیه رژیم پهلوی را اشرار و سران اشرار لقب می دهد.

(پیام خمینی به روسای ستاد ارتش، ژاندار مری و سپاه پاسداران)
بسم الله الرحمن الرحيم
"به رئیس کل ستاد ارتش و رئیس کل ژاندار مری اسلامی و رئیس پاسداران اکیدا دستور میدهم که به نیروهای اعزامی به منطقه کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم و تمام مرزهای منطقه را سریعتر ببندید که اشرار به خارج نگریزند و اکیدا دستور می دهم که سران اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند. اعمال در این امر تخلف از وظیفه و مورد موخذه شلید خواهد شد.
"مرداد ۱۳۵۸ روح الله الموسوی الخميني"

خمینی مکرراً اطلاعیه صادر می کند و مرتب این اطلاعیه ها که مضمون و محتوای آن حمله همه جانبه به کردستان است از رادیو تهران خوانده می شود. خمینی و دولت موقت او که طی شش ماه قبل از این فرمان مدام هیئت های مذاکره کننده به کردستان روانه می کردند، در مرداد ماه ۵۸ چهره کریه و ضد مردمی خود را بیشتر آشکار



فراشاهی) بدلیل مخالفت با اعمال وحشیانه پاسداران در کشتار مردم و برای جلوگیری از این وحشیگریها با آنان درگیر می شود. پاسداران خمینی او را بدلیل همکاری با نیروهای سیاسی مسلح اعدام می کنند. موجی از ناراضیاتی در میان پرسنل ارتش نسبت به این عمل براه می افتد و تعدادی از پرسنل بومی پادگان با سلاحهایشان به مردم می پیوندند.

فرماندهان رژیم و مزدوران محلی آنان کشتار مبارزین و انقلابیون را ابتدا از پایوه شروع می کنند. خانه گردی و دستگیری کسانیکه سالها علیه حکومت پهلوی مبارزه کرده بودند آغاز می شود.

روزنامه جمهوری اسلامی بتاريخ یکشنبه بیست و هشتم مرداد ماه ۵۸ در ارتباط با اوضاع شهر پایوه چنین نوشت: "از ۱۸۰ پاسدار اعزامی تهران و اصفهان حدود ۱۵۰ نفر کشته یا زخمی شده و عده ای نیز اسیر شده اند. در ضمن یک فروند جت جنگنده اف ۴ که برای عملیات تجسسی و شناسایی بر فراز پایوه در پرواز بود در چهار کیلومتری شمال پایوه سقوط کرد، وسایل ارتباط جمعی علت سقوط را بعضاً برخورد گلوله و بعضی نقص فنی ذکر کردند پس از چند روز جنازه سوخته دو خلبان آن بنامهای سرگرد محمد نوژه و ستوان یکم سید عبدالله بشیری پیدا شد." "روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۵۸"

جنگ در پایوه و شکست سخت ارتش و سپاهیان اسلام توسط نیروهای سیاسی و مردم مسلح، خمینی را بر آن داشت که با براه

از صفحه ۲ تحولات سوریه و تاثیر آن ...

داشته باشد؟

وقتی امکان تحولات و تغییرات جدی در ایران و کردستان ایران بوجود آمد، اجازه ندهند جریانهای متعصب، ارتجاعی، جریانهای که در خدمت این و آن دولت قرار دارند، سرنوشت مردم را رقم بزنند. آنچه که بارزانی در حال حاضر سعی بر انجام آن دارد و متحد دیروز خود یعنی پ.ک.ک را به منافع بیشترش با دولت ترکیه فروخته است، میتواند سرنوشت بعدی جریانهای ناسیونالیست کرد ایرانی در ابعاد دیگری هم باشد.

مردم کردستان ایران برای اینکه به این جریانهای میدان ندهند و بخوانند به روشی انقلابی در تعیین سرنوشت اجتماعی خود دخیل باشند راه دیگر بجز تقویت جنبش سوسیالیستی و احزاب مترقی و چپ ندارند. مردم کردستان ایران باید از همین حالا بر سازماندهی و تشکلات خود حساب ویژه ای باز کنند و سعی بر تقویت احزاب چپ و مترقی داشته باشند که بتوانند از این طریق آینده ای حاشیه رانده اند، شانس پیروزی انقلاب آزادیخواهانه مردم در شرایط فعلی بسیار دور و نامحتمل به نظر میرسد.

اما در ایران مردم باید از سرنوشت کردستان عراق و سرنوشت کردستان سوریه که در حال رقم خوردن است تجربه بگیرند که آیا خواهان چنین سرنوشتی هستند؟ ما تلاش میکنیم جریانهای مترجع امکان و توان این را نداشته باشند که چنین سرنوشتی را به مردم کردستان ایران تحمیل کنند.

ما موکدا سیاست و پیشنهادمان این است که مردم از همین حالا هوشیار باشند که

محمد آستگران: به طور حتم در میان احزاب ناسیونالیست کرد تحرکاتی همراه با امیدواری شکل خواهد گرفت. اما مردم آزادخواه کردستان ایران با توجه به نقش و نفوذ نیروهای چپ و جنبش سوسیالیستی در این منطقه میتوانند سرنوشت مردم کردستان عراق و سوریه داشته باشند.

اما در سوریه متأسفانه مردم آزادخواه و نیروهای مترقی و چپ حتی بعد از اسد هم با توجه به تسلط جریانهای ناسیونالیست در کردستان سوریه و جریانهای ناسیونال-اسلامی در کل سوریه نمیتوانند در يك موقعیت مناسب برای زندگی آرام، انسانی و برابر قرار بگیرند. به دلیل وجود کشتار بیرحمانه اسد و حمایت جمهوری اسلامی از يك طرف و عروج جریانهای ارتجاعی اپوزیسیون و حمایت دولتهای مترجع منطقه و غرب از آنها که انقلاب آزادیخواهانه مردم را به حاشیه رانده اند، شانس پیروزی انقلاب آزادیخواهانه مردم در شرایط فعلی بسیار دور و نامحتمل به نظر میرسد.

اما در ایران مردم باید از سرنوشت کردستان عراق و سرنوشت کردستان سوریه که در حال رقم خوردن است تجربه بگیرند که آیا خواهان چنین سرنوشتی هستند؟ ما تلاش میکنیم جریانهای مترجع امکان و توان این را نداشته باشند که چنین سرنوشتی را به مردم کردستان ایران تحمیل کنند.

ما موکدا سیاست و پیشنهادمان این است که مردم از همین حالا هوشیار باشند که

انداختن تبلیغات عوامفربانه و با تمام قدرت نیروهای سپاه، ارتش و همچنین خلخال آدم کش را در معیت این نیروها روانه و به کردستان حمله کنند.

۲۷ مرداد ۵۸ دو خودرو ارتشی مملو از افراد مسلح وارد شهر

سندج شده و قصد داشتند خود را به پادگان شهر برسانند. افراد داخل این دو خودرو توسط جوانان مسلح شهر خلع سلاح می شوند. این واقعه از سوی رژیم تبدیل به خوراک تبلیغاتی دیگری برای بسیج هر چه

در مرداد ماه سال ۵۸ چه گذشت...

از صفحه ۳

دو نفر از افراد اعدام شده زخمی بودند و یکی از آنها را بر روی برانکادر به محل اجرای کشتار آوردند.

همانوقت انتشار عکس اعدام این ۱۱ انسان شریف و محبوب مردم سنندج، در روزنامه های داخل و خارج کشور به اطلاع افکار عمومی رسید. این عمل وحشیانه موجی از تنفر علیه قاتلان را با خود به همراه آورد.

در سقز مقاومت مردم و نیروهای سیاسی در مقابل لشکریان و سپاهیان خمینی ادامه داشت.

جلاد خمینی از سنندج عازم سقز شد تا در آنجا نیز جنایت دیگری خلق کند. ۱۰ نفر از جوانان شهر و ۱۰ نفر از نظامیانی که در محل خدمت نبودند (مجموعاً ۲۰ نفر) را یک روز بعد از اعدامهای

سنندج یعنی در روز ششم شهریور ۵۸ تیرباران کردند. اسامی این ۲۰ نفر عبارتند از:

احمد سعیدی، قادر بهادر، طاهر خطیبی، محمد بابا میری، ناصر حدادی، رسول امینی، محمد غفاری، ناجی خورشیدی، کریم رضایی، انور اردلان، علی فخرانی، سیف اله فیضی، (۱۴ ساله) عبدالله بهرامی، سید حسن احمدی، محمد درویش نقره ای، کریم شیرینی، ابوبکر صمدی، احمد مقدم، جلیل جمال زاده و آذر گنبد دارائی (۱۲ ساله)

بعد از مریوان، سنندج و سقز تدارک حمله ارتش و سپاه متوجه مهاباد شد. دوش به دوش پیشروی مزدوران ارتش و سپاه، خلخال نیز با راه اندازی دادگاههای چند دقیقه ای حکم اعدام علیه دستگیر شدگان را صادر میکرد. همزمان با این لشکر کشی و اعدام جوانان، تظاهرات ها در شهرهای کردستان و در محکومیت این یورش وحشیانه ادامه داشت. از سوی دیگر مقاومت

صفحه ۵



باند های ملا احمد مفتی زاده در آنها مستقر بودند رفته و این مقرات را خلع سلاح کردند. ملا احمد مفتی زاده و افراد وابسته به او از صدور فرمان و حمله خمینی به کردستان در پوست خود نمی گنجیدند. این مرتجع محلی با ورود نیروهای سپاه ارتش در خدمت آنان قرار گرفت و افراد او به شناسایی فعالین و جوانان مبارز می پرداختند.

روز سوم شهریور ۵۸، ۹۰ نفر از دستگیر شدگان در یک دادگاه فرمایشی توسط خلخال در مریوان به اعدام محکوم می شوند. اسامی اعدام شدگان:

امین مصطفی سلطانی، حسین مصطفی سلطانی، جلال نسیمی، حسین پیرخضری، احمد پیر خضری، دکتر احمد احضری، فایق عزیزی، احمد قادرزاده و علی دادستانی.

یک هفته ای از یورش سپاهیان اسلام به کردستان گذشته بود که همچنان در اعتراض به تیراندازی و حضور پاسداران تظاهراتی در سنندج و در اعتراض به کشته شدن یکی از جوانان شهر توسط پاسداران برگزار می شود. چند نفری در این تظاهرات دستگیر می شوند.

۱۱ نفر از جوانان شهر سنندج را که در این تظاهرات و بعضاً بطریق مختلف و در مکانهای مجزا دستگیر کرده بودند روانه فرودگاه سنندج می کنند.

خلخال این جلا خمینی در روز ۵ شهریورماه ۵۸ در به اصطلاح دادگاههای ۵ دقیقه ای آنها را به اعدام محکوم می کند و حکم را به اجرا در می آورند. اسامی اعدام شدگان سنندج:

احسن ناهید، شهریار ناهید، جمیل یخچالی، مظفر رحیمی، عطا زندی، امجد مبصری، عیسی پیرولی، ناصر نسیمی، خسو نیازمند، یداله فولادی و سیروس منوچهری.

رژیم اسلامی سنگ تمام گذاشته بود طی اطلاعیه در خصوص وقایع کردستان چنین نوشت:

اطلاعیه حزب توده ایران در مورد مسایل کردستان!

"دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اطلاعیه ای با اشاره به حوادث ناگوار کردستان خواستار سرکوب قاطع ضد انقلاب و حل مسایل از راه مسالمت شد. در این اطلاعیه آمده است که توده های وسیع مردم کردستان مانند مردم همه کشور خواستار پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی هستند و آماده اند در این راه دوش بدوش سایر مبارزان در نبرد مقدس برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم و صهیونیسم شرکت کنند."

همراه با گسترش حملات هوایی و زمینی و در جهت تکمیل این حملات و برای زهر چشم گرفتن در بامداد روز ۲۸ مرداد ۵۸ اولین اعدامهای دسته جمعی آغاز شد.

در شهر پاپوه ۱۲ نفر در یک دادگاه صحرایی و در چند دقیقه محاکمه و تیرباران شدند. اسامی اعدام شده گان چنین است:

عبداله نوری، هوشنگ عزیزی، محمد عزیزی، یداله محمدی، حسین شبانی، هرمز گرجی بیاتی، مظفر فتاحی، بهمن عزتی، محمد محمودی، اصغر بهنودی، آذرنوش مهدویان و دکتر قاسم رشوند سرداری.

در مرحله دوم از این قتل عام در بعداظهر روز ۲۹ مرداد ماه ۵۸ هفت نفر دیگر طی یک دادگاه چند دقیقه ای به اعدام محکوم و آنان نیز تیرباران شدند. اسامی این هفت نفر عبارت بودند از:

حاجی افراسیاب، عبدالوهاب ملکشاهی، محمد نقشبندی، عبدالکریم کریمی، عماد الدین ناصری، عزیز مرادی و مراد ذولفقاری. روزنامه کیهان سی ام مردادماه ۱۳۵۸"

مردم شهرهای کردستان که از تهاجم وحشیانه رژیم خشمگین شده بودند، قبل از یورش نیروهای رژیم به این شهرها روز ۲۹ مرداد ماه ۱۳۵۸ در شهرهای سقز و بوکان تظاهرات بزرگی برپا کردند و علیه یورش رژیم به کردستان با سر دادن شعار مرگ بر خمینی بطرف مراکز و مقرهای مدرسه های قرآن که

پادگانهای مراکز ابلاغ کنند که به قدر کافی بطرف سنندج حرکت کنند و با شدت اشرا را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب در هر محلی هستند به مقدار کافی بطرف سنندج و تمام کردستان به پل هوایی بسیج شوند و با تمام شدت اشرا را سرکوب نمایند. تاخیر ولو بقدر یکساعت تخلف از وظیفه و بشدت تعقیب می شود. از ملت ایران می خواهم که مراقب باشند، هر یک از ماموران تخلف کردند فوراً اطلاع دهند. من انتظار دارم تا نیم ساعت دیگر قوای انتظامی بمن خبر بسیج عمومی برسد. "والسلام روح الله موسوی خمینی، مرداد ماه ۱۳۵۸"

خمینی در همان روز ۲۸ مرداد اقدام به برگزاری جلسه ای با نمایندگان مجلس خبگان می کند و علیه مردم کردستان به سمپاشی می پردازد. سخنرانیهای خمینی و اطلاعیه های او مکرراً از رادیو و تلویزیون سراسری پخش می شود. حزب توده که در خوش خدمتی به

بیشتر سپاه و ارتش به کردستان شد. رادیو تلویزیون رژیم در یک برنامه خبری اعلام کرد: "که در سنندج به سربازان حمله شده است و همزمان به دروغ اعلام کردند که نیروهای سیاسی زنان و کودکان مردم مسلمان را در مسجد جامع این شهر به گروگان گرفته اند. این تبلیغات متعاقب تبلیغات قبلی در مورد شهر پاپوه، مقدمات پیشبرد طرح فرمان حمله وسیع و همه جانبه به کردستان از سوی خمینی بود. خمینی در این پیام چنین گفت:

"به اسمه تعالی! بدون فوت وقت به سنندج بروید. کلیه نیروها و قوای نظامی توجه فرمائید. الساعه خبر رسید که در سنندج، ارتشی ها و سازمانهای آنانرا محاصره کرده اند و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک مرسند، اسلحه ها را می برند و از مسجد سنندج بما خبر داده اند که حزب دمکرات زنهای ما را به گروگان برده اند. اکیدا به کلیه قوای انتظامی دستور می دهم که به

در مرداد ماه سال ۵۸ چه گذشت...

از صفحه ۴

و وارد کردن ضربات کاری بر ستونهای نظامی در مناطقی از کردستان توسط نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی همچنان در جریان بود. یکی از این ستونها در محور جاده بانه متحمل ضربات بسیار سنگینی شد که قادر به جابجا شدن نبود

در روز نهم شهریور ۵۸ فواد مصطفی سلطانی از بنیانگزاران کومه له و رهبر اتحادیه دهقانان مریوان همراه پنج تن از همزمانش در مسیر جاده مریوان سفز با واحدی مجهز از نیروهای رژیم به فرماندهی چمران رویرو می شوند که در یک جنگ نابرابر او و یکی از همزمانش جان می بازند.

رادیو و روزنامه های رژیم با خوشحالی تمام این خبر را منتشر می کنند. اندوه عمیقی در میان مردم و نیروهای مسلح کومه له بمناسبت این واقعه پدیدار می شود. اما مبارزات اعتراضی مردم و مقاومت مسلحانه در مقابل نیروهای رژیم کماکان ادامه پیدا می کند.

روز دهم شهریور نیروهای ارتش و سپاه با همکاری پاسداران محلی بعد از زدو خوردی بر شهر بوکان مسلط می شوند. همان روز در شمال کردستان در منطقه سلماس جنگی مابین مردم و نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی با نیروهای نظامی رژیم که با فانطوم و هیللی کوپتر پشتیبانی می شدند در می گیرد.

در سلماس حکومت نظامی اعلام می شود. شهر پیرانشهر نیز توسط ارتش تسخیر و اشغال می گردد.

در ۱۱ شهریور فاجعه قارنا روی می دهد. ملاحسنی همراه تعداد زیادی از پاسداران و با استفاده از دو دستگاه تانک جهت ایجاد رعب و وحشت به روستای قارنا در محور نقده به پیرانشهر یورش می برند. روستای قارنا که بیخبر از تمام جنگ و درگیریها بود توسط این ستون اشغال می شود و پاسداران رژیم همه مردم روستا از کوچک و بزرگ را به رگبار می بندند. ملای روستا برای جلوگیری از این قتل عام به خواهش و تمنا می افتد او را هم

در همان روز ۱۳ شهریور ۵۸ ، ۴ نفر به اسامی عطا محمدی، حسین محمدی، ابراهیم محمدی و حسین نوری به اتهام شرکت در جنگ مسلحانه در پادگان شهر سفز توسط حکم خلخالی اعدام می شوند.

بدین ترتیب تهاجم وسیع و گسترده ارتش و سپاه پاسداران به شهرهای کردستان که با صدور فرمان خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ روی داد از آن دست جنایاتی بود که کردستان را به خاک و خون کشید. در پی این یورش چنگیز وار، موقتا اکثر شهرهای کردستان به تصرف ارتش و سپاهیان رژیم در می آید. حاصل این تهاجم وحشیانه کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از مردم شهر و روستاهای کردستان، ویران نمودن خانه و کاشانه مردم و اعدام دهها جوان در دادگاههای ۵ دقیقه خلخالی بود.

علیرغم تمام این جنایت و به تصرف در آوردن شهرها، مردم شهرهای کردستان با خشم و تنفیری چندین برابر از قبل به حضور نیروهای ارتش و سپاهیان رژیم جسته و گریخته به اعتراض علیه حضور آنان ادامه می دادند.

همزمان با اعتراضات عمومی مردم که بستناب در شهرهای مختلف روی می داد، نیروها و سازمانهای مسلح که اکنون به خارج از شهرها عقب نشینی کرده بودند، به عملیاتیهای خود علیه سرکوبگران، به پاسگاهها و پادگانها و نیروهای در حال نقل و انتقال حمله می کردند و به آنان شیبخون می زدند.

تصرف شهرهای کردستان از سوی رژیم سه ماه بیشتر دوام نیاورد و در اثر ادامه اعتراضات سیاسی اجتماعی در داخل شهرها توسط مردم و همچنین عملیاتیهای نظامی نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی، رژیم تحت فشار و منگنه قرار می گیرد. شهرها مجددا بتصرف و کنترل مردم و نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی در می آید. رژیم بار دیگر اقدام به فرستادن هیئت های مذاکره کننده می کند. ادامه این وضع و تصرف مجدد شهرها از سوی سازمانهای سیاسی از آبان ۵۸ تا شروع جنگ ۲۴ روزه سنندج در بهار ۵۹ به مدت ۵ ماه، رژیم عملا

هیچ گونه قدرتی در شهرهای کردستان ندارد.

از آبان ماه ۵۸ تا شروع جنگ ۲۴ روزه سنندج عملا شهرها و روستاهای کردستان از زیر سیطره نیروهای رژیم خارج می شود. بدین ترتیب صفحه ای دیگر از ایستادگی و مقاومت مردم کردستان در دفاع از ادامه انقلاب ۵۷ در تاریخ این دوره به ثبت میرسد و حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی تنها با

۱۱ تن از مهاجمان تیرباران شدند

فرمانده ارتش و پاسداران

غائله پاوه با سرکوب مهاجمان پایان یافت

حزب دموکرات کردستان

غیرقانونی اعلام شد

مرزها به روی مهاجمان فراری بسته شد

اجاد جنگ مسلحانه به راه اندازی نظامی از دلایل غیرقانونی اعلام شد این حزب است

سقر به کنترل ارتش و پاسداران درآمد

فرمانده تپ

سقر شهید شد

چند نفر به اتهام توطنه در کردستان تیرباران شدند

پدر یالیز بان دستگیر شد

فرمانده تپ سقر شهید شد

چند نفر به اتهام توطنه در کردستان تیرباران شدند

پدر یالیز بان دستگیر شد

۱۶ تن از سببان هجوم به پاوه اعدام شدند

محاکمه و تیرباران عاملان حوادث کردستان

کمیته

آماده باش کامل ارتش

محاکمه و تیرباران عاملان حوادث کردستان

کمیته

آماده باش کامل ارتش

اطلاعات

۱۴ نفر در سنندج، مریوان و سفز تیرباران شدند

اطلاعات

۱۴ نفر در سنندج، مریوان و سفز تیرباران شدند

سرکوب خونین و قتل عام توانست بر شهرهای کردستان تسلط پیدا کند. و در ۳۰ خرداد ۶۰ با حمله همه جانبه به دستاوردهای قیام و انقلاب مردم و با اعدام های گسترده قادر شد در سراسر کشور حاکمیت سپاه خود را بگستراند.*

۸ مرداد ۹۱
۳۰ ژوئیه ۲۰۱۲

پیش بسوی ممنوعیت سنگسار در همه جا! مینا احدی

حکومت اسلامی باید بیرق حجاب و سنگسار و چوبه دار را از زیر پای این حکومت کنار کشید. و سازمانهایی که اینها را سه دهه ندیده و ناخن جویدند، باید گفت، بهتر است دکان خود را بعنوان اپوزیسیون حکومت اسلامی تخته کنند و بروند.

حکومت اسلامی الان در بدترین شرایط، منزوی و لخت و عور در مقابل جامعه ایستاده است. اکنون دیگر حایل دوم خرداد و اصلاح طلبان همیشه مدافع سنگسار و جنایت اسلامی، نمیتوانند بین مردم منزجر از جانان و حکومت اسلامی ایستاده و نظام نکبت ایشان را نجات دهند.

اکنون مردمی آبدیده، جوانانی که الله و پیغمبر را با یک پراتیک چندین ساله این حکومت از نزدیک شناخته و به درست علیه این تکیه گاه حکومت اسلامی خیز برداشته اند، میروند که تکلیف این حکومت را یکسره کنند.

ممنوعیت سنگسار در دنیا مستقیماً نتیجه مبارزات ما زنان، ما آزادخواهان، ما جوانان و ما منتقدین مذهب در ایران است.

کسانی که سی و چهار سال در مورد این پدیده هولناک حتی چند خط ننوشته اند، کسانی که با زدن مدال اپوزیسیون جمهوری اسلامی در این سنگرها همیشه جا خالی داده و توجیه تراشیده اند، خیالشان را راحت کنند، این جنبش، جنبش دفاع از انسانیت به یمن رسانه های اجتماعی و به یمن جنبش های اجتماعی گسترده در دنیا اکنون در موقعیت بهتری است و میروند که چهره سیاست در دنیا را عوض کنند.

ممنوعیت سنگسار به نام و به همت چپ ها و زنان و مردان رزمنده در ایران و در جهان، یک گام اول بسوی دنیایی بهتر است.

۲۹ جولای ۲۰۱۲

دوران طلایی دیکتاتورهای دفاع کنند که مردم آنها را بیرون انداختند برای اینکه به آزادی و رفاه و زندگی انسانی برسند، و کاری که محمد رضا پهلوی نتوانست انجام دهد، سرکوب خونین یک انقلاب برحق را همین جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران با سنگسار و اعدام انجام داد. امری که البته در سی و چهار سال حکومت اسلامی نیز به سرانجام نرسید و همان انقلاب، با همان خواستهها امروز در ایران ادامه دارد و مقابله با حکومت اسلامی، مقابله با مذهب و اسلام در قدرت، البته جوانان و طرفداران انقلاب را آبدیده تر نیز کرده است.

مدال افتخار در وهله اول نثار زنان ایران است! زنان رزمنده ایران، زنانی که زیر فشار اختناق و زن ستیزی یک حکومت قرون وسطایی، زنانی که زیر شلاق سرکوبگران، بیرق حجاب جمهوری اسلامی را به شکست کشاندند، زنانی که با وجود خطر سنگسار علیه این پدیده مبارزه کردند، و به فرزندان خود یاد دادند که انسان باشند و از انسانیت دفاع کنند، این زنان بهمراه هزاران نفر مخالفین سنگسار بهمراه هزاران همسنگر مرد، سنگسار را به شکست کشاندند.

در اینجا باید به حزب کمونیست کارگری ایران به مردان و زنان رزمنده در صفوف این حزب و به همه سازمانهایی که علیه سنگسار، در سرما و گرما، در همه جای دنیا و تحت هر شرایطی به خیابان رفته و جنگیدند درود بفرستم، به منصور حکمت که بدون لکت زبان و بسیار رادیکال و صریح علیه حکومت مذهبی، علیه اسلام بعنوان بخشی از لپنیزم در جامعه، علیه اسلام سیاسی و جایگاه حجاب و سنگسار در این جنبش حرف زد و به طرفداران و مدافعین منصور حکمت که در ایران و در دنیا علیه سنگسار مبارزه کردند، درود بفرستم. موضوع مهم اینست که برای به زیر کشیدن

دولتها و سرمایه داران و صاحبان قدرت و مکتب در اروپا و امریکا و در همه جا نشان دادند که علیرغم ظاهر "دمکراتیک" حکومت هایشان، چه ظرفیت بالایی در تحمل جنایاتی از این قبیل دارند. اینها که خود در دنیا جنگ راه می اندازند و مردم بیگناه را بمباران میکنند و یا در همان کشورهای خودشان اعتراضات را با خشونت تمام سرکوب میکنند، در عین حال میتوانند در این دنیا نظاره گر زنده به گور کردن زنان و مردان و همجنسگرایان از سوی دولتهای اسلامی و یا باندهای تروریست اسلامی باشند و لام تا کام حرف نزنند. با توجیه اینکه دیالوگ تنها راه نجات است با قاتلین دست دوستی داده و با تکیه زدن به تره های پست مدرنیستی همراهی خود با جانان را توجیه کنند.

یک سوی دنیا اما مردم بودند، مردمی که قلبهایشان برای سکینه محملی آشتیانی ها تپید و مردمی که ما را در کمپین ها و نبردهای روزمره علیه سنگسار همراهی کردند. همین مردم به دولتهای خود فشار آوردند و همین مردم باعث کشاندن این موضوع به سازمان ملل هستند.

این یک واقعه مهم است. تاریخ مبارزه علیه سنگسار در ایران تاریخی پر فراز و نشیب است. تحلیل گران بیطرف باید این تاریخ را بررسی کنند تا جنبش ملی اسلامی که خود زمینه ساز این فجایع بود، فعالین و مدافعین این جنبش که جناح راستشان در حکومت میکشند و سنگسار میکرد و جناح چپ اشان با اعلام اینکه "چندان مهم نیست" در مقابل این پدیده سالهای سال سکوت کرده و بعدها با گسترش یافتن اعتراضات مردمی، به امام زاده خاتمی و آخوندهای با لباس حریر دخیل بسته بودند، امروز نتیجه این مبارزات را ملاحظور نکنند. من در اینجا به جنبش راست پرو غرب و امام زاده اینها رضا پهلوی نمیپردازم. چرا که اینها از قبل همین جنایات حکومت اسلامی که سی و چهار سال در مورد آن یک کلمه حرف نزده اند اکنون فضا را مساعد دیده اند که علناً از



اگر تمکین نکنی، اگر حجاب را که بیرق حکومت اسلامی است، پس بزنی، سرنوشت تو میتواند به این چاله سنگسار ختم شود.

و اکنون باید درود فرستاد به زنانی که با این حکومت وحشی و ضد زن و جنایتکار و فاشیست دست و پنجه نرم کرده و آنها را در عرصه حجاب و در عرصه سنگسار قبل از سرنوشتی به شکست کشاندند.

ما در سنگر مبارزه با حکومت اسلامی، در حقیقت با سر یک مار خطرناک و بیرحم به نام اسلام سیاسی درگیر بودیم و ما مفتخریم اعلام کنیم که در نتیجه این مبارزات، پایه های یک حکومت در حال فرو ریختن است، سنگسار و چوبه دار و حجاب و اسلام، تکیه گاه حکومت اسلامی بود و با به شکست کشاندن این پدیده ها میتوان و باید از آغاز سرنوشتی حکومت اسلامی حرف زد، ما مفتخریم اعلام کنیم که سرنوشتی این حکومت عملاً آغاز شده و آینده ای که ما در ایران برای آن مبارزه میکنیم، ایرانی است بدون حجاب، بدون سنگسار، بدون اعدام، بدون دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش و نطفه های این آینده در جریان مبارزات طولانی و سخت سی و چهار ساله علیه این جنایتکاران بسته شده است.

روز دوشنبه ۳۰ جولای برای من و فرشته مرادی فعال سرشناس مدافع حقوق زن از کشور هلند، یک ملاقات مهم در پیش است. ما میرویم که مهر بطلان بر سنگسار در سطح جهانی بزنیم. اگر یک دولت حاضر میشد در سی و چهار سال گذشته چنین کند، الان وضع این چنین نبود که هست. همه فعالیتهای ما و فعالین علیه سنگسار این بود که دنیا به پا خیزد و علیه جنایت علیه بشریت یعنی سنگسار اعلام جرم کند. ولی دنیا دو قسمت بود اینرا ما در طی سه دهه مبارزه علیه سنگسار به عینیه دیدیم.

دولت هلند از سازمان ملل خواسته تا در نشست بعدی خود ممنوعیت سنگسار در همه جای دنیا را اعلام کند. فرشته مرادی و مینا احدی روز دوشنبه سی ماه جولای در شهر لاهه در مورد جزئیات و نحوه پیشبرد این طرح با مبتکرین این طرح در پارلمان هلند، به رابزنی خواهند پرداخت!

سنگسار یک پدیده هولناک در قرن بیست و یک، از سوی جنبش اسلامی و اسلام سیاسی، اساساً برای ترساندن مردم، پس زدن زنان و به قدرت رسیدن و در قدرت ماندن بود.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سنگسارها آغاز شد در حالیکه نسل های قبلی حتی اسم این پدیده هولناک را نشنیده بودند. جمهوری اسلامی ایران با سببیت و وحشیگری زنان را در خیابانها سنگسار کرد تا جامعه حساب دستش باشد که با چه کسانی طرف است. در دنیای به اصطلاح مدرن و متمدن، زنان را به اتهام رابطه جنسی که امری است مطلقاً خصوصی نمایندگان یک دولت فاشیست، با بی حرمتی کامل در حالیکه آنها را زنده زنده در کفن پیکانده بودند، به ملا عام آوردند، در مورد روابط خصوصی آنها در سطح شهر جار زدند و تعدادی جانی و قاتل دور این زنان حلقه زدند و با ندای کریمه "الله اکبر" این زنان را با پرتاب سنگ در مقابل چشم همه زجر کش کردند.

این واقعه منحصر بفرده و بسیار تکان دهنده بود. در همان ایران با اولین سنگسارها زنان ایران، نه فقط درک کردند با چه جنایاتی طرف هستند، بلکه فهمیدند که برای نفس کشیدن و فاصله گرفتن از این چاله سنگسار، باید مقاومت و مبارزه کنند. و این مبارزه در ابعادی میلیونی آغاز شد. سنگسار تکمیل کننده تحمیل حجاب اجباری به زنان بود و پیامش به زن ایرانی این بود





زندگی نامه من (بخش بیست و پنجم)

خاصی می بخشید. در حالی که در طول روز از گرما نمیشد از پای کولر و دستگاههای خنک کننده دور شد، شبها ناگهان شهر زنده میشد و انسان را دریائی از نور و چراغ و لوله جمعیت، در بر می گرفت. مردم می ریختند بیرون و فروشگاهها و رستورانها پر میشد از مردمی که می خریدند و می خوردند و همیگر را ملاقات می کردند. آن روزها کسی هنوز فکر نمی کرد، بغداد روزی به یکی از بدبختترین شهرهای دنیا تبدیل شود و ساکنان آن زیر بمبارانهای فشرده لت و پار شوند. رژیم صدام حسین علیرغم تمام وحشیگری و دیکتاتور منشی اش، سوسید بالائی برای مواد غذایی و امکانات مادی زندگی گذاشته بود و بندرت کسی از لحاظ غذا و نیازهای اولیه زندگی در مضیفه می ماند. زنان و جوانان بغداد، اکثرا شیک پوش بودند و از قیافه های غربی و مدهای اروپائی تقلید می کردند. زنان چادری و محجبه کمتر دیده میشدند. بارها و رستورانها آزادانه مشروب می فروختند و دیسکوهای شهر تا دیروقت از جمعیت موج میزد. همه اینها بعد از حمله آمریکا و با سیاست اسلامیزه کردن عراق که توسط صدام حسین برای جلب جریانات اسلامی در تقابل با آمریکا، در پیش گرفته شد، عوض شد.

حمله آمریکا به عراق، تمام معادلات سیاسی خاورمیانه را به هم زد و ما هم که در کانون این تحولات زندگی می کردیم، زندگیمان و اشکال مبارزه امان بطور کلی دگرگون شد. عراق یکشنبه کویت را تصرف کرده بود و آمریکا که به دنبال فرصتی بود که قدر قدرتی خود را و برتری نظامی خود را به دنیا نشان دهد، برای حمله به عراق شاخ و شانه میکشید. مذاکرات دیپلماتیک به بن بست رسیده بود، شوروی که خود در آستانه فروپاشی بود، نمی توانست و نمی خواست در برابر آمریکا بایستد، سازمان ملل با وجود غر زدهای بعضی از اعضایش نهایتا پشت آمریکا به خط شده بود.

نیروهای آمریکائی کا منطقه خاورمیانه را قرق کرده بودند و در آبهای خلیج و دریای سرخ مستقر شده بودند. رسانه های بین المللی و صاحب نظران سیاسی در مورد احتمال حمله نظامی به عراق مرتبا قلم می زدند و سخنرانی می کردند. کمتر کسی واقعا باور میکرد، آمریکا به عراق حمله نظامی کند. بیشتر صاحب نظران معتقد بودند تهدیدهای آمریکا، بیشتر تاکتیک سیاسی ست برای ترساندن صدام حسین و فشار به او که از کویت خارج شود و واقعا قصد حمله نظامی را ندارد.

منصور حکمت، از همان ابتدا معتقد بود که جنگ خواهد شد و آمریکا حمله خواهد کرد. او می گفت آمریکا جنگ می خواهد و این بهترین موقعیت برای آمریکا است که ابرقدرتی خود را تثبیت کند و در مقابل قطبهای عظیم اقتصادی دنیا، قدرت رقابت داشته باشد. منصور حکمت و رفقای دیگر رهبری نگران وضعیت ما در اردوگاههای مرکزی کومله در خاک عراق بودند. مخصوصا در آن شرایط که تشکیلات انسجام گذشته را نداشت، کسی حرف دیگری را نمی پذیرفت و نوعی تشمت و بینظمی بر کارها حاکم بود. با وجود اینکه دعوای چپ و راست رسما به نفع جریان چپ تمام شده بود، اما گرایش راست کاملا خلع صلاح نشده بود و از هر فرصتی استفاده میکرد که عملکرد و سیاستهای چپ را مورد انتقاد قرار دهد و ایراد بگیرد.

منصور حکمت نواری برای تشکیلات در کردستان و خطاب به همه ما در آنجا فرستاده بود که در آن به اینکه احتمال حمله آمریکا خیلی بالا است اشاره کرده بود و از تشکیلات خواسته بود با آمادگی هرچه بیشتری به استقبال این جنگ برود. او از ما خواسته بود که علیرغم اختلافاتی که با هم داریم، در این دوره متحد و یکپارچه عمل کنیم و سرفراز از این تند پیچ بیرون بیاییم. هنوز هم بعد از سالها بیاد می آورم که او با چه نگرانی به ما هشدار میداد و تلاش می کرد عمق مساله را برای ما قابل فهم کند: "جنگی که از آن صحبت می کنیم یک واقعه محلی در ابعاد تلافی ما با جمهوری اسلامی نیست، بلکه

پدیده ای است که همه دنیا دارد در مورد آن حرف می زند و عواقب آن برای هیچکس، حتی برای دولتهائی که در آن درگیرند قابل محاسبه نیست. این جنگ کلیه محاسبات سیاسی را در منطقه و به یک معنی در کل جهان تغییر می دهد. این جنگ ما را در شرایط جدیدی قرار می دهد و با مخاطرات جدی ای روبرو می کند. بنابراین حتی اگر منسجم ترین تشکیلات دنیا هم بودیم الان باید می نشستیم و در مورد این جنگ صحبت می کردیم. با توجه به اینکه منسجم ترین تشکیلات دنیا نیستیم، اتوقت دیگر لازم است جدا تکلیف بعضی مسائل را روشن کنیم."

بنا به توصیه های منصور حکمت، تشکیلات سریعا دست به کار آماده سازی خود برای این جنگ شد. می بایست نه تنها خود را در برای بمبارانها و حملات هوائی و بمبارانهای شیمیائی آماده کنیم، بلکه می بایست احتمال فعالیتهای تروریستی عوامل جمهوری اسلامی و دیگر جریانات اسلامی را هم در نظر بگیریم و برای آن آماده شویم. می بایست فکری برای بچه ها و افراد مریض و ناتوان می کردیم، می بایست مواد غذایی و سوخت و امکانات پزشکی ذخیره می کردیم، می بایست آموزشهای لازم را برای مقابله با احتمالات گوناگون می دیدیم و می بایست تا شروع جنگ هر تعدادی را که میشد به خارج از عراق اعزام میکردیم.

در نقاط مختلف اردوگاه زمینها را کندند و لوله های عظیم سیمانی در آنها کار گذاشتند که در صورت بمباران و توپ باران به آنجاها پناه ببریم. تانکهای بزرگ نفت و بنزین ذخیره کردند و مواد غذایی که فاسد نمی شد مانند آرد و برنج و حبوبات

و خرما و کشمش انبار کردند. بهمین خانی مسئول آموزش تشکیلات در مقابله با بمبارانهای شیمیائی شده بود و هر روز دسته ای را آموزش می داد که چگونه از ماسکهای که برایشان تهیه کرده بودند استفاده کنیم، چطور برخلاف جهت باد حرکت کنیم و در صورت نداشتن ماسک از دستمالی خیس استفاده کنیم و جلوی دهان و دماغمان را بگیریم. فرشته هفت هشت ماهه حامله بود و بزودی می بایست با دیگر زنان حامله و بچه ها و مریضها به محلی که در شهر سلیمانیه برایشان آماده شد بود. او جائی خوانده بود که جنین شرایط روحی مادر را احساس می کند و صداهای بیرون را می شنود. برای همین مرتبا با شکمش حرف می زد و به جنینش گزارشات غیر واقعی می داد که او را نترساند. مثلا وقتی آژیر حمله هوائی می کشیدند و همه با عجله به طرف پناهگاهها سرازیر میشدیم او در حالی که راه می رفت و به آرامی شکمش را نوازش می کرد می گفت نترس عزیزم، داریم من و تو با هم می رویم قدم زدن، اینجا همه چیز خوب است، آن صداهائی که میشنوی (آژیر!!!) صدای موسیقی است و پرند ها دارن آواز می خوانند و بوی گل همه جا را گرفته است. کسانی که دور و برش بودند به او می خندیدند، اما فرشته شوخی نداشت و واقعا تلاش می کرد، بچه اش آرامش کامل داشته باشد.

مطمئن هستم توری او پایه علمی داشت منتها نمی دانم بچه او بخاطر این توصیه ها آرام و خونسرد بار آمد یا اینکه روحیات پدرش را به ارث برده است.

ادامه دارد

مدای حق طلبان
تلویزیون کانال جدید
هر شب از ساعت ۲۱:۳۰ به وقت تهران به مدت ۲ ساعت
kurd channel
مشخصات ماهواره:
ماهواره A
فرکانس پویندر ۱۵۵
فرکانس ۱۱۲۰۰ هرتز
اف ای سی ۵/۶
سیگنل ریوت ۲۷۵۰۰
تلفن شماره ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۶۸۹۲
تلفن کیفیت دریافت برنار را در طریق رایج کار سرت با اطلاع دجیبه
nctv.tamas@gmail.com

از صفحه ۱ ممنوعیت سنگسار در دنیا ...



کمیته بین المللی علیه سنگسار با پیشبرد دهها کمپین علیه سنگسار در ایران و در دنیا در طول سالهای سال فعالیت توانسته سنگسار را در دنیا معرفی کند و بویژه با کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی همه مردم دنیا و در عین حال دولتها را به مقابله با این جنایت وحشیانه بکشانند.

مینا احدی گفت: اکنون ما به اینجا آمده ایم تا در مورد جزئیات این طرح و نحوه اجرای آن با شما گفتگو کنیم.

هاری وان بومل گفت: که در جریان فعالیتهای گسترده کمیته بین المللی علیه سنگسار بوده و این یک ابتکار عمل از سوی آنها است که میخواهند دولت هلند در اعتراض به خشونت علیه زنان و در ادامه اعتراضات بین المللی علیه ختنه زنان و یا قتل های ناموسی، علیه سنگسار بپا خاسته و از شصت و هفتمین مجمع عمومی سازمان

هلند تصویب شد و قرار است در شصت و هفتمین نشست سازمان ملل در ۲۶ اکتبر این قطعنامه از سوی دولت هلند مطرح و به احتمال قوی به تصویب برسد.

ایشان از کمیته بین المللی علیه سنگسار خواست که برای کمک به عملی کردن این خواست هر نوع فعالیتی را که امکانش را دارد انجام دهد.

موضوع بعدی در مورد اجرایی بودن و یا سمبلیک بودن تصویب چنین قطعنامه ای در سازمان ملل بود. هاری وان بومل گفت: اگر این قطعنامه با اکثریت بزرگی تصویب شود، لازم الاجرا است و به همین دلیل مهم است که قبل از ماه اکتبر، این موضوع به اطلاع دولتهای بیشتری رسیده و کمیته بین المللی علیه سنگسار آنها را تشویق کند که نمایندگان آنها به این قطعنامه رای مثبت دهند.

هیئت کمیته بین المللی علیه سنگسار در این نشست اعلام کردند که بدلیل روابط گسترده ای که در جریان کمپین های علیه سنگسار و بویژه کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی با پارلمانها و دولتها و همچنین نهادهای متعدد مدافع حقوق انسانی دارد، این موضوع را با همه آنها مطرح و قبل از برگزاری اجلاس با دولتها، پارلمان اروپا و سازمانهای علیه سنگسار تماس گرفته و مذاکرات لازم را انجام خواهد داد.

در این نشست فرشته مرادی در مورد اهمیت مقابله با قتلهای ناموسی و اهمیت کمک به زنان قربانی در هلند صحبت کرد و تجارب خود در کمک به زنان در معرض خشونت در هلند را در آنجا مطرح کرد.

در این نشست در عین حال از نماینده پارلمان هلند خواسته شد که برای شرکت هیئتی از سوی کمیته بین المللی علیه سنگسار در نشست های مربوط به ممنوعیت سنگسار در سازمان ملل اقدام کنند و قرار شد این مسئله با وزارت امور خارجه هلند از طریق کمیته بین المللی علیه سنگسار مطرح و پیگیری شود.

در پایان این نشست مهم قرار

از صفحه ۱ در آستانه فاز ...

از آموزش دولتی حذف و آن را به مدارس غیر انتفاعی واگذار کرد. حالا خبرگزاری کار ایران ایلنا می گوید که این تصمیم اعتراض حدود ۲۵ هزار معلمی را به دنبال داشته که از چند سال پیش به امید استخدام در آموزش و پرورش شرایط نه چندان مناسب کاری را تحمل کرده بودند.

همچنین این خبرگزاری به نقل از یکی از معترضان نوشته که یک نماینده مجلس خطاب به تجمع کنندگان گفته است: «مساله شما در مقابل مسائل دیگر چندان مهم نیست و مراجع به کل کشور در مجلس صحبت می کنیم نه عده ای اندک!»

همچنین کارگران مراکز مخابرات روستایی آذربایجان غربی از عدم بیمه خود شکایت دارند. خبرنگار ایلنا تعداد این کارگران را نزدیک به ۵۰ نفر اعلام کرده که علاوه بر اعتراض به وضعیت نامشخص شغلی، ۵ ماه حقوق دریافت نکرده اند.

حضور معلمان و کارگران در مقابل مجلس و بی توجهی به آنها نه بخاطر مدیریت ناکارآمد در وزارت آموزش و پرورش و مجلس و دولت که ماهیتا بخاطر بحرانهای سیاسی جمهوری اسلامی است که اقتصادش را هم دچار مشکل کرده است. وقتی بودجه کافی برای پرداخت حقوق ۲۵ هزار نفر

شد برای پیگیری همه جوانب این پروژه مهم ارتباط و همکاری نزدیکی بین کمیته بین المللی علیه سنگسار و نمایندگان پارلمان هلند ادامه داشته باشد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار ممنوعیت سنگسار در اجلاس شصت و هفتم سازمان ملل را یک

گام مهم بسوی مقابله با خشونت وحشیانه علیه زنان میدانند و از همگان دعوت میکنند بهر طریق ممکن کمک کنند این قطعنامه با اکثریت بزرگی به تصویب برسد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار ۳۱ ماه جولای ۲۰۱۲

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

پیام تسلیت به رفیق شبو مرادی و خانواده اش

وقتی خبر مرگ شاهین را شنیدم عمیقاً متأثر شدم و دوست داشتم در کنارت بودم. ما را در غم از دست دان فرزند عزیزت شریک بدان. اجازه میخواهم از جانب رفقایم در حزب کمونیست کارگری و تشکیلات کردستان حزب به شما و همه افراد خانواده تسلیت بگویم، ما را در کنار خود بدانید.

محمد آسنگران

از طرف کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ ژوئیه ۲۰۱۲

۸ مرداد ماه ۱۳۹۱

خبر درگذشت "شاهین" فرزند جوان شما خبری تکان دهنده بود. برای ما که با شما شب بوی عزیز و دیگر افراد خانواده شما بویژه مادر گرامیت سالها در یک سنگر علیه حکومت اسلامی مبارزه کرده ایم، رفقا و عزیزان زیادی را تا کنون از دست داده ایم. اما درد از دست رفتن یک فرزند قطعا جانکاه تر و سخت تر خواهد بود. شاهین فرزند دلبنده شما، جوانی با هزارها آرزو بود که متأسفانه مرگ نابهنگام مجال اینرا نداد که او در کنار خانواده و دوستان خود به این آرزوها جامه عمل بپوشاند. شبو جان

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!